

پرسش ۱۷۱: آیهی (وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ)

سؤال / ۱۷۱: ما معنى قوله تعالى: (وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) ([649]).

معنای این سخن حق تعالی چیست؟ (او است خدایی که معبودی جز او نیست. ستایش خاص او است، چه در این جهان و چه در جهان دیگر و فرمان، فرمان او است و همگان به او بازگردانیده می شوید). ([650])

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين

أي إن الحمد الحقيقي لله سبحانه وتعالى، وهو الثناء عليه بشكل أكمل وأتم بحسب المعرفة بمرتبة عالية: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) ([651])، أي يعرفون، وهذه المعرفة العالية والتي تمثل الغرض من الخلق تتحقق في الأولى وهي السماء الأولى (سماء الرجعة)، وقبلها هي (سماء الذر)، وبدايتها أي (بداية الأولى) في ظهور الإمام المهدي (عليه السلام)، حيث تبدأ مرحلة الأولى ومقدمات تمهيد لعالم الرجعة.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

یعنی ستایش حقیقی، تنها برای خداوند سبحان و متعال است. همان ستایش و ثنای بر او به کامل ترین و تمام ترین شکل بر اساس شناخت و معرفت به مرتبه ی عالی می باشد: (جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده ام) ([652]) ؛ یعنی «لیعرفون» (تا مرا بشناسند) و این شناخت و معرفت عالی که تبلور غرض آفرینش می باشد در اولی که

آسمان اول (آسمان رجعت) است محقق گشته و نیز پیش از آن (آسمان ذر) و آغاز آن یعنی «بداية اولی» (آغاز نخست) در ظهور امام مهدی (علیه السلام)؛ که در آن، مرحله‌ی نخستین و مقدمات زمینه‌سازی برای عالم رجعت آغاز می‌گردد.

(وله الحكم): أي الحاکمية لله بحکم الإمام المهدي (عليه السلام)، والمهدين (عليهم السلام) ثم الرجعة، والحکم للأنبياء والمرسلين والأئمة والأوصياء.

(وَلَهُ الْحُكْمُ): یعنی با حکومت‌داری امام مهدی (علیه السلام) و مه‌دیین (علیهم السلام) و سپس رجعت. حاکمیت تنها برای خداوند است، و حکومت‌داری مختص انبیا، فرستادگان، ائمه و اوصیاست.

(وإليه ترجعون): إلى الله سبحانه وتعالى في الرجعة، أي ليجازي الصالحين بصلاحهم، والظالمين بظلمهم في الرجعة (من محض الإيمان محضاً ومن محض الكفر محضاً) ([653]) كما ورد عنهم (عليهم السلام) ، فيكال لكل ظالم كيلاه، ويكال لكل صالح كيلاه، فينتقم الله للأنبياء والمرسلين والأئمة من الظالمين الذين محضوا الكفر محضاً.

(و به سوی او بازگردانیده می‌شوید) : به سوی خداوند سبحان و متعال در رجعت باز می‌گردید یعنی در رجعت، صالحین را به صلاح‌شان پاداش دهد و ظالمین را به ظلمشان کیفر فرماید؛ همان‌طور که از ائمه (علیهم السلام) روایت شده است: «آن کسی که ایمان خالص داشته باشد و آن کس که کفر خالص داشته باشد»؛ ([654]) بنابراین، هر ظالمی پیمان‌ه‌اش را دریافت می‌کند و هر صالح و نیکوکاری نیز پیمان‌ه‌اش را می‌گیرد و خداوند انتقام انبیا، فرستادگان و امامان را از ظالمانی که کفر محض دارند، می‌گیرد.

(وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) ([655])، ولنذيقنهم من العذاب الأدنى (في الرجعة). أما الآخرة فالحمد فيها أكمل وأتم

وأعظم؛ لأنها كشفت تام للحقائق وكل بحسبه، (لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ) ([656]).

(و عذاب دنیا را پیش از آن عذاب بزرگتر به ایشان بچشانیم، باشد که بازگردند) ([657]): از عذاب دنیا (در رجعت) به آنها می چشانیم، اما در آخرت، سپاس و ستایش به کامل ترین و تمام ترین و عظیم ترین شکل می باشد؛ چرا که در آنجا پرده برداری تام و تمام از حقایق به فراخور وضعیت و جایگاه هر شخص صورت می گیرد: (تو از این غافل بودی. ما پرده از برابرت برداشتیم و امروز چشمانت تیزبین شده است). ([658])

(وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) ([659])، أي رفع (الأنبا) من الصدور، وكل بحسبه يغترف من رحمة الله بحسب وعائه، ويكال له بمكياله الذي صنعه بأعماله الصالحة.

(و هر گونه کینه ای را از دلشان برمی کنیم. نهرها در زیر پایشان جاری است. گویند: حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به این راه راهبری نمود و اگر ما را راهبری نکرده بود، راه خویش نمی یافتیم، فرستادگان پروردگاران به حق آمدند؛ و آنگاه ایشان را ندا دهند که به پاداش کارهایی که می کردید این بهشت را به میراث برده اید) ([660])؛ یعنی برداشته شدن «من» از سینه ها؛ هر یک به فراخور ظرفیتش، از رحمت خداوند بر می گیرد و به پیمانته ای که با اعمال نیکویش ساخته است، پیمانته می شود.



- [649] - القصص : 70.
- [650] - قصص : 70.
- [651] - الذريات: 56.
- [652] - ذاريات: 56.
- [653] - مختصر بصائر الدرجات - الحسن بن سليمان الصفار : ص 24.
- [654] - مختصر بصائر الدرجات - حسن بن سليمان صفار: ص 24.
- [655] - السجدة : 21.
- [656] - ق : 22.
- [657] - سجده: 21.
- [658] - ق: 22.
- [659] - الأعراف : 43.
- [660] - اعراف: 43.